



بررسی وجهیت روشی در بازنمود تجویزی و توصیفی بودن چهار دستورزبان فارسی^۱

طاهره کیایی تنکابنی^۲

دانشجوی دکترای زبان و ادب فارسی دانشگاه آزاد اسلامی علوم و تحقیقات تهران

دکتر عباسعلی وفایی (نویسنده مسئول)^۳

استاد دانشگاه علامه طباطبائی

دکتر رقیه صدرائی^۴

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی علوم و تحقیقات، واحد تهران.

چکیده

در روابط نحوی جمله و آگاهی از دیدگاه گوینده، وجه نقش بسزایی دارد. شکل گیری وجه کلام در گرو عمل عناصری است که روی هم رفته آن ها را عنصر وجه و باقی مانده می نامند. مقاله

تاریخ پذیرش: ۹۸/۳/۵

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۰/۱۴

۱. دستور زبان فارسی دکتر خیامپور، دستور زبان فارسی دکتر انوری و دکتر گیوی، دستور دکتر مشکوه الدینی، ساخت زبان فارسی دکتر غلامعلی زاده.

۲. kiaei.t.90@gmail.com

۳. a_a_vafaie@yahoo.com

۴. faridesadraie@yahoo.com

حاضر به بررسی ساخت بینا فردی با محوریت **وجه**، درمبحث صفت در چهار کتاب دستور زبان فارسی خیامپور، دستور زبان فارسی انوری، دستور زبان فارسی مشکوه الدینی و ساخت زبان فارسی خسرو غلامعلی زاده در چارچوب دستور نظام مند هلیدی به فرانشی بینا فردی می پردازد. و هدف آن است تجویزی و توصیفی بودن گزاره ها را به کمک **وجه** نمایان سازد. روش به کار رفته در این پژوهش، روش تحلیلی است. در تقسیم بندی اقسام دستور از حیث بایندی و نبایندی، آن را به تجویزی و توصیفی تقسیم کرده اند و تشخیص آن از راه بررسی **وجه** در عبارات متن ممکن است از این منظر بررسی **وجه فعل** به درستی می تواند ما را به نوع نگاه نویسندگان به امر دستور رهنمون باشد. بنابراین در این مقاله با این عنصر کوشش می شود تا چهار دستور مذکور بررسی و نوع نگاه هر یک بازنموده شود. در هر چهار کتاب وجه اخباری بیشترین بسامد را به خود اختصاص داده است و این نشان از آن دارد که مولفان کوشیده اند اصول و قواعد زبان فارسی را به شکل مدون و منظم ارائه دهند. اما توجه به میزان کاربرد **وجه التزامی** در چهار کتاب نگرش تجویزی یا توصیفی بودن و انعطاف پذیری یا انعطاف ناپذیری آنها را نشان می دهد که می توان گفت عبدالرسول خیامپور با داشتن بالاترین بسامد آماری در **وجه التزامی** از نوع بایندی تجویزی بودن دستور خود را ثابت نموده است. و ساخت زبان فارسی غلامعلی زاده کمترین سهم را از **وجه التزامی** دارا است.

کلید واژه: دستور زبان فارسی، وجه فعل، وجه اخباری، وجه التزامی، وجه امری.

مقدمه :

زبان دستگاهی است نظام مند و پیچیده که هدف اصلی آن ایجاد ارتباط و انتقال مفاهیم است. تحقق این اهداف در گرو عمل به قواعد و قوانینی است که روی هم رفته دستور زبان را شکل می بخشد. در واقع دستور زبان فارسی باید بستری فراهم کند تا با توصیف این قواعد، توانایی بهره گیری از آن شکوفا گردد. اگر این قوانین به شکل اجبار با ابزار تحکم و زور در پی انتقال مفاهیم باشد نشان از آن دارد که در دستور فقط یک شکل صحیح وجود دارد و آن همان است که دستور نویسان بدان اشاره می کنند حال آنکه در دنیای امروز چنین نگرشی

، طرفدار ندارد به این خاطر تجویزی بودن دستور مطرود گشته است. دستور نویسان سنتی جنبه تجویزی زبان را مورد توجه قرار دادند و در مقابل آنان جریان های جدید در دستور به سمت توصیفی نمودن قواعد و قوانین مربوط به دستور حرکت نمودند.

در روابط نحوی، در بررسی دیدگاه گوینده، نقش **وجه**^۵ بسیار تاثیرگذار است. و نگاه گوینده در کل اثر را بازگو می کند در واقع همراه با معانی که از طریق زبان، با رعایت روابط نحوی برای مخاطب آشکار می شود، گوینده می تواند نگرش و دیدگاه خود را نسبت به گزاره ای که بیان می کند به مخاطب انتقال دهد. عناصر دستوری در نحو قادرند مقولات معنایی و ذهنیت هر فرد را به شیوه ای خاص به نمایش بگذارند که این ذهنیت تحت عنوان **وجهیت**^۶ در پژوهش های زیادی مورد بررسی قرار گرفته است. فاعل در مقوله **وجهیت کار** بازنمایی نقش ها و معانی ساخت زبانی را آسان می کند، به گونه ای که با بررسی مقوله **وجهیت**، می توان از جنبه های روان شناختی زبان و سبک مولف، آگاهی دقیق تری حاصل کرد. (فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۹۴)

در این پژوهش به کمک عنصر **وجه** به استخراج جمله های مبحث صفت پرداخته ایم تا دیدگاه گویندگان را درباره قطعی بودن، غیرقطعی بودن یا امری بودن فعل بررسی کنیم. و بر این اساس تجویزی و توصیفی بودن تعاریف کتاب را مشخص نماییم. گفتنی است کاربرد **وجه** بر مبنای مولفه های زبان شناسی هلیدی در ساخت بینافردي مد نظر است. بدین ترتیب ما **وجه** را در سه مقوله **اخباری**، **التزامی** و **وامری** در مبحث صفت در چهار کتاب، دستور زبان فارسی دکتر خیامپور، دستور زبان فارسی ۲ دکتر انوری دکتر گیوی، دستور زبان فارسی دکتر مشکوه الدینی و ساخت زبان فارسی دکتر خسرو غلامعلی زاده مورد بررسی قرار دادیم و با تاکید بر فرانشی بینا فردی، تجویزی و توصیفی بودن مباحث این کتاب ها را ارزیابی، ویافته ها را به شکل کمی و درصدی ارائه نمودیم.

۵ - mood

۶ - modality

پیشینه پژوهش:

در خصوص تحلیل متون فارسی بر اساس آموزه های زبان شناسی نقشگرا-سیستمی مقالاتی نوشته شده است از جمله کاربرد آموزه های زبان شناسی نقشگرا در تجزیه و تحلیل متون ادبی، نوشته فردوس آقاگل زاده، (۱۳۸۴) در مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، سال ۳۸ شماره ۱۴۹. تحول **وجه نمایی** قهرمان رمان طوبی و معنای شب از دیدگاه نشانه شناسی اجتماعی، نوشته ندا کاظمی، (۱۳۹۴) در فصلنامه علمی-پژوهشی نقد ادبی، س ۸. ش ۳۲. اما در دستور زبان فارسی با این نگرش کاری صورت نگرفته است.

زبان شناسی نقشگرا یا سیستمی^۷

زبان شناسی نقش گرا یا زبان شناسی کار کرد گرا یکی از رویکردهای نظری در زبان شناسی است که در مقابل زبان شناسی صورت گرا قرار می گیرد. در این رویکرد، بر نقش های اجتماعی و بافتی زبان تاکید می شود.

فردینان دوسوسور^۸ زبان شناس اهل ژنو، اولین کسی است که به اندیشه های زبان شناسی نوین شکل داد. و در درس های دانشگاهی خود بین سال های ۱۹۰۶ تا ۱۹۱۱ زبان شناسی را به روش علمی ارائه کرد. سوسور بین زبان شناسی در زمانی یا زبان شناسی تاریخی و زبان شناسی هم زمانی خطی قاطع کشید. و تاکید کرد که این دو نباید باهم آمیخته شود. تاکید سوسور روی جنبه دستگاهی بودن زبان باعث شد که زبان شناسان در پی ساخت این نظام برآیند. (باطنی، ۱۳۸۲: ۷۸-۷۷). سوسور اندیشه های خود را بر مبنای نشانه پایه گذاری کرد و زبان شناسانی که بعد از او آمدند جمله را محور بررسی های خود قرار دادند.

اوج پژوهش های جمله بنیاد، زبان شناسی زایشی^۹ نوام چامسکی^{۱۰} است. از همان سال های آغازین تفکر متن بنیاد در زبان شناسی رشد کرد. در نتیجه نیمه دوم سده بیستم شاهد رشد دو

^۷-functional linguistics

^۸-F. de saussur

^۹generative

نگرش عام وابسته متضاد نسبت به زبان هستیم، یکی نگرش مبتنی بر تبیین صوری زبان همچون پدیده ای درون فردی و ذهنی و دیگری نگرشی مبتنی بر تبیین نقش زبان به مثابه پدیده ای بینافردی واجتماعی. از دهه شصت به این سو پدیده متن به عنوان واحد بررسی و تحلیل زبان شناختی مورد توجه قرار گرفت و کاربرد زبان وارد قلمرو نظریه پردازی های زبانی شد و به زودی جایگاهی در خور یافت. پژوهش های گسترده جامعه شناسان زبان از جمله برن استاین، لباو، گامپرز و دیگران دانش ما را از کنش متقابل میان زبان و جامعه بر بنیادی علمی استوار کرد. (نک. کلمان و دیگران ۱۹۸۱: مدرسی ۱۳۶۸) یا کوبسن تبیین بسیار کارآمدی از کارکردهای زبان به دست داد. (یا کوبسن ۱۹۶۳: ۲۲۰-۲۱۳) این رویکردهای کاربرد شناسی آن قدر پرمایه بودند که آن را تحت عنوان کاربرد شناسی زبان در کنار بحث های زبان شناسی قرار دادند. پیامد مهم تر این تحولات، زایش و بالش آن دسته از نگره های عمومی زبان و نظریه های زبان شناختی بود که از منظری کاربردی به تمامی ساحت های زبان می نگریستند. در چارچوب همین رهیافت کاربرد شناختی به زبان بود که نگره های نقش گرای افرادی چون مایکل هلیدی^{۱۱} ساخته و پرداخته شد. (مهاجر، ۱۳۷۶: ۱۳-۶)

مشخصه اصلی زبان شناسی سیستمی _نقشی، نقش و سیستم است که هلیدی این مفهوم را به همراه مفهوم ساختار از فرث وام گرفت.

فرانقش بینافردی^{۱۲}

چنانکه گفته شد دستور زبان نقشگرایی نظام بنیاد، مدلی از دستور زبان است که توسط مایکل هلیدی در دهه ۱۹۶۰ توسعه یافت. اصطلاح نقشگرا به نگرش این رویکرد زبان شناسی به معنای مفهوم اشاره دارد که زبان را به صورت بالفعل و در بافت مورد بررسی قرار می دهد و واحد مورد مطالعه آن نیز بند است. دستور نظام بنیاد زبان، از سه لایه معنایی فرانقش

۱۰- n. Chomsky

۱۱ - M. halliday

۱۲- interpersonal metafunction

اندیشگانی^{۱۳}، فرانش بینافردی و فرانش متنی^{۱۴} شکل می گیرد. که در این بخش به بررسی فرانش بینافردی می پردازیم.

در چارچوب این نقش از زبان برای برقراری ارتباط و تنظیم روابط اجتماعی استفاده می شود. در اینجا نقش زبان، تنها میان واقعیت های دنیای بیرون و درون نیست بلکه بخشی از تعامل بین گوینده و شنونده است. در واقع می توان گفت زبان در نقش اندیشگانی، انعکاس و در نقش بینافردی، کنش^{۱۵} است. (هلیدی و حسن، ۱۹۸۹: ۱۹) با بررسی فرانش بینا فردی موجود در متن و تبیین میزان فراوانی آن می توان از نگاه نویسنده به مبحث مورد نظر آگاه شد.

زبان به کاربرد برقراری، حفظ و تثبیت و تنظیم روابط اجتماعی می پردازد. در این راستا، بخشی از هر متن دلالت بر کنش متقابل افراد درگیر در ارتباط دارد. در این جا معنی همچون شکلی از کنش مطرح می شود و طی آن گوینده یا نویسنده به کمک زبان، عملی را نسبت به شنونده یا خواننده صورت می دهد. (هلیدی، ۱۹۸۵: ۵۳)

مشارکین کنش کلامی در چارچوب نقش های ارتباطی که زبان خود، آفریده است باهم رابطه ای برقرار می کنند و در این رابطه هر ایفاگر نقش می شود: خبری می دهد فرمانی می دهد سوالی می پرسد و انجام خدماتی را پیشنهاد می دهد. در نتیجه چهار نقش ارتباطی پایه خواهیم داشت که مبتنی بر خبر دهی، پیشنهاد خدمات، پرسش گری و صدور فرمان هستند. هر یک از این نقش ها حامل یک کنش است در نتیجه چهار کنش کلامی پایه که در ارتباط زبانی صورت می گیرد عبارت است از: **خبر، پیشنهاد، پرسش، فرمان.**

این که این نقش ها چگونه توزیع می شوند بستگی به چگونگی بافت ارتباط کلامی و جایگاه هر یک از مشارکین در آن بافت دارد و این همه نقش بینا فردی زبان را رقم می زند.

۱۳ - ideational metafiction

۱۴ - textual metafiction

۱۵ - action

این کنش کلامی در لایه واژگی دستوری زبان به وسیله ساختار **وجهی** بند تحقق می یابد. به عنوان مثال **کنش خبر و پرسش** به واسطه **وجه اخباری**^{۱۶} و **کنش فرمان** به واسطه **وجه امری**^{۱۷} متحقق می شود. (مهاجر، ۱۳۷۶: ۵۰-۴۸)

از نظر هیلیدی، زبان دارای نقش و کارکردهای مختلف در جامعه و پدیده های اجتماعی است. از این روی با این رویکرد، پدیده های زبانی را بررسی می کند. در واقع رویکرد نقشگرایی سعی دارد هم خود زبان را به طور ذاتی توضیح می دهد و هم رابطه آن را با ساختارهایی چون فرهنگ و جامعه بیان کند. (لیچ، ۱۹۸۸: ۷۶)

وجه:

وجهیت و وجه فعل از مباحثی است که از گذشته مورد توجه زبان شناسان دنیا و مورد عنایت دستور نویسندگان زبان فارسی بوده است. لاینز اشاره می کند که **وجهیت** به نگرش و عقاید مردم در مورد گزاره های بیان شده و نیز به ادات اختیاری توصیف شده توسط آن گزاره ها اشاره دارد. (لاینز، ۱۹۷۷: ۵۴۱)

دستور نویسندگان فارسی نیز نسبت به **وجه** تعاریف و نگرش های خاصی دارند. از نظر خانلری **وجه** در چهار دسته، طبقه بندی می شود: **وجه اخباری، وجه التزامی**^{۱۸}، **وجه امری**، **وجه شرطی**. بعضی از صیغه های **فعل** برای خبر دادن از کار و یا حالتی آورده می شود که به آن **وجه اخباری** می گویند و هرگاه واقع شدن فعل مسلم نباشد فعل از **وجه التزامی** بررسی می گردد. فعلی که از **وجه التزامی** است همیشه به دنبال **فعل** دیگر می آید. صیغه هایی که برای فرمان دادن یعنی واداشتن کسی به کاری استعمال می شود **وجه امری** است و هرگاه انجام یافتن **فعلی** مشروط به وقوع **فعلی** دیگر باشد **وجه شرطی** نام دارد. سپس دو **وجه شرطی و تردیدی** را مختص شعر و نثر بزرگان ادبیات فارسی قدیم می

۱۶- indicative mode

۱۷- imperative mode

۱۸- subjunctive mode

داند. (خانلری، ۱۳۷۷: ۱۵۴-۱۴۲) از نظر فرشیدورد **وجه فعل** صورت یا جنبه ای از آن است که بر **اخبار، احتمال، امر، آرزو، تمنا، تاکید، امید** و بعضی امور دیگر دلالت می کند و بر این اساس به شش نوع **وجه** معتقد است که آن را در دو بخش متصرف و غیر متصرف دسته بندی می کند. (فرشیدورد، ۱۳۸۴: ۳۸۰)

مشکوه الدینی به نقل از صادقی وارژنگ می آورد: «**عنصر وجه** به **قطعی بودن** و **غیر قطعی بودن** و **یا امری بودن** مفهوم جمله از نظر گوینده اشاره دارد بر حسب ژرف ساخت جمله عنصر **وجه** ممکن است **اخباری، امری یا التزامی** باشد. **وجه اخباری** به **قطعی بودن**، **وجه امری** به **توصیه، خواهش، امر یا نهی** و **وجه التزامی** به **غیر قطعی بودن** مفهوم جمله اشاره دارد. (مشکوه الدینی، ۱۳۹۱: ۶۸)

از نظر وفایی **فعل** به اعتبار چگونگی بیان مفهوم از حیث **خبری** یا **انجام فعلی** به صورت **احتمالی یا امری** بودن آن بر سه **وجه است: اخباری، التزامی، امری** (وفایی، ۱۳۹۲: ۱۶۳) انوری و گیوی نیز **وجه فعل** را در سه دسته **اخباری، امری و التزامی** دسته بندی نموده اند.

در زبان شناسی معاصر، زمره گرامری «**وجه**» را زمره ای می دانند که برای بیان مناسبات گوینده یا نویسنده با طرز اجرای عملی که توسط فعل آماده می شود به کار شود و بدیهی است که این زمره نیز باید مانند هر زمره گرامری دیگر منحصراً با وسایل گرامری افاده شود. باری **وجه** عبارت از مناسبات گوینده یا نویسنده نسبت به طرز اجرای عملی است که توسط **فعل** بیان می شود. هرگاه این مناسبات با وسایل گرامری بیان می شود زمره گرامری **وجه** به وجود می آید. به این ترتیب دیده می شود که در زبان فارسی کنونی، بیش از سه زمره گرامری **وجه** در **افعال** موجود نیست: **وجه اخباری، وجه التزامی و وجه امری**. (شفاهی، ۱۳۶۳: ۸۹-۸۸)

در برخی از دستورها برای **فعل نش وجه** قائل شده اند: **اخباری، التزامی، امری، شرطی، مصدری و وصفی**. اما **وجه شرطی** نوعی از **وجه التزامی** است و استقلال آن منطقی به نظر نمی رسد چون ساخت خاصی ندارد. **وجه مصدری** نیز بنا به تعریف دستور نویسان آن است که **فعل** به صورت مصدر بیاید-اصلاً **فعل** نیست و اگر بخواهیم برای آن **وجهی** قائل شویم باید گفت از **وجه التزامی** است زیرا یکی از مفاهیم التزام مانند لزوم و اراده را می رساند. در **وجه وصفی** بنا به گفته همان دستور نویسان چون **فعل** های ماضی مطلق، مضارع اخباری، مستقبل و جز آن ها به صورت صفت مفعولی در می آیند پس همان **وجه فعل** بعدی را دارند. (انوری و گیوی، ۱۳۷۷: ۷۳-۷۲)

شکل گیری **وجه کلام** در گرو عمل عناصری است که روی هم رفته آن ها را **عنصر وجه**^{۱۹} می نامیم.

عنصر وجه

مهاجر در کتاب به سوی زبان شناسی شعر اینگونه، **عنصر وجه** را تعریف می کند: **عنصر وجه** جایگاه تبلور تعامل بینامتنی و تاثیر و تاثر دوسویه است و سه جزء **فاعل، عنصر خود ایستای فعل و ادات وجه نما**^{۲۰} را در بر می گیرد. فاعل یک گروه اسمی یا یک ضمیر شخصی است که به لحاظ شخص و شمار با **فعل** هم خوانی دارد.

عنصر خود ایستا، عنصری است که گزاره را محدود می کند و آن را از حالت انتزاع در می آورد و گزاره به واسطه عمل این عنصر زمان مند و موقعیت مند می شود. این کار به دو صورت انجام می گیرد: **زمان نمایی و وجه نمایی**. منظور از زمان، زمان حال، آینده و گذشته است و منظور از **وجه نمایی** توجه به سه **وجه اخباری، التزامی و امری** محسوب می شود. **افعال وجه نما**^{۲۱} نیز در تشخیص **وجه فعل** موثر است که مورد توجه قرار می

۱۹-mood element-

۲۰ - modal adjuncts

۲۱ - modal verbs

گیرد. **افعال وجه نما** دسته ای از **فعل** های غیر اصلی است که هم از لحاظ تجزیه صورت و هم از لحاظ معنی با **فعل** های معین متفاوت است مانند بایستن، توانستن. (باطنی، ۱۳۵۴، ۱۹۹-۱۹۴) این **افعال** را مشکوه الدینی **فعل ناقص** می داند و ارزشنگ **قید** معرفی می کند. **عنصر خود ایستا** می تواند با گزینش یا عدم گزینش عنصر نفی، امکانی دو قطبی را برای گزاره فراهم کند. وسویه ای مثبت یا منفی به آن بدهد اما میان این دو قطب، پیوستاری نیز وجود دارد که امکان های میانی با درجات متفاوت را در بر می گیرد. که عبارتند از **افعال وجه نما و ادات وجه نما**. (مهاجر، ۱۳۷۶: ۵۳-۵۰)

روش تحقیق:

در این پژوهش از روش تحلیلی استفاده شده است. و رویکرد تحلیل آن، با ماهیت کمی و کیفی بیان می شود. بدینصورت که ابتدا به استخراج **وجه** از نظر کمی پرداخته و تحلیل کیفی داده ها را همراه با آمار آورده ایم.

تجزیه و تحلیل:

آن چه در این ارزیابی مورد توجه قرار گرفته است عبارت است از: نوع **بند که به اخباری، التزامی و امری** تقسیم شده است. در دستور خیامپور در مبحث صفت ۲۵۶ جمله استخراج گردید، در کتاب دستور زبان فارسی ۲، ۳۶۶ جمله مورد بررسی قرار گرفته است. در دستور مشکوه الدینی در مبحث صفت ۱۱۶ جمله ارزیابی شد. در کتاب ساخت زبان فارسی ۶۳ جمله مورد توجه بوده است. در ادامه نمونه هایی از **وجه اخباری، وجه التزامی و وجه امری** در چهار کتاب ذکر می شود و بسامد آماری **انواع وجه** در این جملات با تحلیل و استخراج درصد در قالب جدول، مورد بررسی قرار می گیرد. در این مقاله تلاش نمودیم تا از راه **وجهیت** تجویزی و توصیفی بودن دستورهای حاضر را مشخص نماییم.

کاربرد وجه در دستور زبان فارسی دکتر خیامپور:

وجه در این کتاب، بیشتر به شکل **حال اخباری** دیده می شود از نوع **حال اخباری بی نشانه**. این ساخت شامل **افعالی** است که به **حال اخباری** دلالت می کنند، **فعل** های «است، دارد، هست، نیست» از این نوع هستند. (وفایی، ۱۳۹۲: ۱۵۷) مانند: در مثال های مذکور فقط فرمول قید داخلی صادق است، ولی مثال هایی هم هست که در آنها هر دو فرمول صدق می کند. (ص ۵۱) یا ما در زبان خود ترکیب تقییدی داریم که صدی پنجاه آن با قید ترکیبی است نیازی به این تکلفات نداریم. (ص ۵۲)

حال اخباری بانشانه نیز در مبحث **وجه اخباری**، از نظر جایگاه در رتبه دوم قرار می گیرد. مانند: و آن صفتی است که نسبت را می رساند یا در زبان فرانسه نیز بعضی از اسم ها به رنگ دلالت می کنند. (ص ۵۲)

این **وجه** گاهی به شکل گذشته مطلق می آید مانند: چنانکه در مثال های گذشته دیدیم. (ص ۶۵) گاهی به شکل فعل آینده. مانند: ضمیر موصوف و کلمه مابعد وصف او خواهد بود. (ص ۶۵)

وجه اخباری گاهی در قالب **فعل حال اخباری** با حذف نشانه «می» شکل می گیرد. مانند: صفت مفعولی در حال ترکیب گاهی مانند صفت فاعلی تخفیف یابد بدین شکل که جزء دوم آن به صورت فعل امر در آید. (ص ۵۷)

وجه التزامی در این کتاب بیشتر با **فعل گذشته التزامی** به چشم می خورد. مانند: و شاید از این قبیل بوده باشد ص ۵۵. یا صفت قیاسی صفتی است که از روی قاعده ساخته شده باشد. (ص ۵۵)

یکی دیگر از **فعل هایی که در وجه التزامی** محسوس به نظر می رسد **فعل وجهی** است. مشکوه الدینی به نقل از باطنی می آورد: به دسته ای از **فعل های غیر وجهی** (غیر **واژگانی**) که هم از لحاظ تجزیه صورت وهم از لحاظ معنی با **فعل های معین** متفاوت است **فعل وجهی** گفته می شود. (مشکوه الدینی، ۱۳۹۱: ۱۳۱)

خیامپور از دو **فعل وجهی** می تواند و باید با بالاترین بسامد در مبحث **وجه التزامی** استفاده نموده است. که در زیر نمونه هایی را جهت روشنگری متن می آوریم .

کاربرد فعل وجهی از نوع بایدی:

این شکل از **فعل وجهی** بیشتر برای اجبار و تاکید است و نشان از قطعیت دارد. مانند: می بینیم که رفت در مقام مسندالیهی است و باید اسم باشد ، مسند الیه بودن رفت شبه بردار نیست پس نباید فعل باشد. (ص ۵۳) یا نباید بین ضمیر و اسم فاصله باشد یا در ترکیب بدلی معمولاً مابین بدل و مبدل منه وقفه گونه یی باید باشد. (ص ۵۲)

کاربرد فعل وجهی از نوع می تواند :

از **فعل های وجهی** دیگری است که خیامپور به آن توجه دارد . مانند : وقتی که صفت جای اسم را بگیرد می تواند دیگر حالات اسم را نیز داشته باشد (ص ۶۶) یا ضمیر من می تواند به تنهایی وصف «گدای» باشد و می تواند مفعول غیر صریح «چو» بوده مجموعاً برای «گدای» وصفی تشکیل بدهد. (ص ۶۵)

یکی دیگر از کارکردهایی که در **وجه التزامی** با بسامد بالا دیده می شود شکل **شرطی** آن است. مانند : اگر یک را قید بگیریم در معطوف و معطوف علیه تجانس حاصل می شود. (ص ۶۷) یا اگر اسم حالت فاعلی داشته باشد فعل که در جمله هست تابع ضمیر می گردد. یا وصف همیشه مفرد است اگرچه موصوف جمع باشد. (ص ۶۱)

گاهی **وجه التزامی** در قالب فعل **حال التزامی** می آید. مانند: فعل را اگر در مقامی ببینیم که اختصاص به مسندالیه دارد فوری حکم می کنیم که مسندالیه است. (ص ۵۰) گاهی نیز به صورت **حال التزامی** با حذف «ب» در ابتدای آن می آید مانند: چون بخواهند موصوف را در صفت بر دیگری برتری دهند در آخر صفت لفظ «تر» می افزایند. (ص ۵۹) یا برای مقید ساختن اسم ترکیب مخصوصی است به نام ترکیب تقییدی ، و آن اینکه آخر اسم را کسره داده کلمه یی از صفت یا اسم بدو ملحق سازند تا او را مقید نماید. (ص ۵۰)

اینک نمونه هایی از کاربرد **وجوه** در گزاره های این کتاب (از آن جا که در این مقاله ، مجالی برای گنجاندن تمام جمله های مبحث مورد نظر، وجود ندارد به بیان چند جمله از هر اثر اکتفا می نمایم و مابقی را به صورت بسامد آماری در جدول ذکر می کنیم).

وجه اخباری :

چنانکه گفته شد صفت کلمه ای است که بخصوص برای مقید ساختن اسم وضع شده باشد. چنانکه می بینیم هریک از کلمه « خوب و علی » قید است زیرا هر دو را از اطلاق بیرون می آورند. (ص ۵۰)

برای مقید ساختن اسم ترکیب مخصوصی است بنام ترکیب تقییدی. (ص ۵۰)
صفت ، اسم را بقید داخلی مقید می سازد و قید خارجی مخصوص مضاف الیه است . (ص ۵۰)

وصف مطلق معمولاً بعد از موصوف می آید. (ص ۶۰)
مقصود از قیاسی آن است که همه نظایر آن صیغه مشترکی دارند که بر آن صیغه ساخته شده اند. (ص ۵۵)

وجه التزامی :

ممکن است گوینده قید را قید داخلی بگیرد یا از راه نسبت اعم به اخص منظورش قید خارجی باشد مشروط به اینکه این دو اسم در مصداق یکی باشند تا فرمول قید داخلی بتواند در آنجا صدق کند. (ص ۵۱)

باید اضافه کرد که « وصف » گاهی از ترکیب تقییدی خارج است. (ص ۵۵)
اگر موصوف عربی و مونث باشد بهتر آن است که وصف مذکر آورده شود. (ص ۶۱)
چون بخواهند در صفتی برتری موصوف را بر همه دیگران بیان نمایند در آخر آن صفت لفظ «ترین» می افزایند. (ص ۵۹)

وقتی که صفت جای اسم را بگیرد می تواند دیگر حالات اسم را نیز داشته باشد. (ص ۶۶)

کاربرد وجه در دستور زبان فارسی ۲ دکتر انوری و دکتر گیوی

انوری و گیوی در کتاب دستور زبان فارسی به دو **وجه اخباری و التزامی** توجه دارد. **فعل حال اخباری با نشانه**، بالاترین میزان را از نظر کمی به خود اختصاص داده است. مانند: اسمی که صفت درباره آن توضیح می دهد موصوف نامیده می شود. یا صفت بیانی، صفتی است که همراه اسم و اغلب پس از آن می آید و اسم با کسره بدان افزوده می شود. (ص ۱۳۲) **وجه اخباری** گاهی به شکل **حال اخباری بی نشانه** می آید مانند: جامد صفتی است که از بن فعل گرفته نشده باشد. (ص ۱۵۳) یا برخی از صفات مکرر یا مرکب فقط در نقش قیدی استعمال دارند. (ص ۱۷۰) گاهی به شکل گذشته نقلی می آید مانند: چنان که می بینیم «دانشمند» در جمله های بالا نقش های اسم را پذیرفته است. (ص ۱۶۹) گاهی به صورت حال اخباری با حذف «می» در ابتدای آن دیده می شود. مانند: صفت پرسشی، صفتی است که با آن از نوع یا چگونگی یا مقدار موصوف پرسش کنند. (ص ۱۶۵) **وجه التزامی** در این کتاب بیشتر با کارکرد **شرط** به چشم می خورد. مانند: اگر صفت بیانی به جای اسم نشیند مانند اسم جمع بسته می شود. (ص ۱۶۹) یا صفت اشاره در اصل دو لفظ «این و آن» هستند وقتی که همراه اسم بیابند و بدان اشاره کنند. (ص ۱۵۹) **کارکرد بایدی** **وجه التزامی** نیز در این مبحث دیده می شود. مانند صفت مفعولی اصولاً باید از فعل متعدی ساخته شود نه لازم. (ص ۱۳۹) این شکل از کارکرد در واقع برای **امر و اجبار** استعمال می گردد.

وجه التزامی گاهی در قالب **فعل گذشته التزامی** می آید. مانند: اگر موصوفی چند صفت بیانی داشته باشد. (ص ۱۷۰) و گاهی به صورت حال التزامی مانند: سه کلمه نخست، اول، آخر که صفت ترتیبی هستند اگر به همین صورت بیابند معمولاً پس از موصوف قرار می گیرند. (ص ۱۷۵)

فعل وجهی توانستن نیز در **وجه التزامی** جملات این کتاب دیده می شود. که گاهی **امکان و توانایی وقوع فعل** را می رساند مانند: در میان صفت و موصوف می توانیم یای

نکره بیاوریم. (ص ۱۷۱) و گاهی **قطعیت فعل** را بیان می کند. مانند: علاوه بر اقسام بالا ترکیبات دیگری نیز هست که آنها را در شمار گروه وصفی می توان شمرد. (ص ۱۵۲) وجه امری در این کتاب در مبحث صفت سه مورد بوده است که بیشتر جنبه توصیه دارد. مانند: به جمله های زیر توجه کنید. (ص ۱۳۲)

در ادامه نمونه هایی از **وجه اخباری ، التزامی و امری** را دستور زبان فارسی انوری و گیوی ذکر می نمایم .

وجه اخباری :

اینک از دیدگاه نخستین ، یعنی به عنوان یکی از اقسام هفتگانه کلمه ، صفت و اقسام آن را بررسی می کنیم . (ص ۱۳۲)

صفت بیانی صفتی است که همراه اسم و اغلب پس از آن می آید و اسم با کسره بدان افزوده می شود . (ص ۱۳۲)

صفت ساده که تنها چگونگی و خصوصیت موصوف را می رساند . (ص ۱۳۳)

صفت فاعلی معنی فاعلیت دارد یعنی بر انجام دهنده کار یا دارنده و پذیرنده حالت دلالت می کند . (ص ۱۳۳)

گاهی ساخت فعل امر به تنهایی یا به صورت ترکیب با کلمه یا فعل امر دیگر نوعی صفت فاعلی می سازد که بیشتر مخصوص زبان محاوره است . (ص ۱۳۵)

وجه التزامی :

این و آن وقتی که همراه موصوفند همیشه مفرد می آیند ، خواه موصوف مفرد باشند خواه جمع اما اگر به جای موصوف نشینند مانند صفات بیانی جمع نیز بسته می شوند . (ص ۱۶۰)

اگر صورت یک باشد گاهی اول مخرج را می آورند. (ص ۱۶۴)

اگر موصوفی چند صفت بیانی داشته باشد یا چند صفت بیانی با هم در نقش مسندی یا جزء آن به کار روند معمولاً به سه صورت می آیند . (ص ۱۷۰)

در میان صفت و موصوف می توانیم یای نکره بیاوریم . (ص ۱۷۱)

اگر انواع صفت های شمارشی مانند صفت های بیانی به جای اسم بنشیند یعنی با حذف محدود جانشین آن شوند در انواع نقش های اسم به کار می روند. (ص ۱۷۶)

وجه امری در این کتاب در مبحث صفت، فقط در جمله «به جمله های زیر توجه کنید» آمده که سه بار تکرار شده است.

کاربرد وجه در کتاب دستور زبان فارسی دکتر مشکوه الدینی :

وجه اخباری در دستور زبان فارسی مشکوه الدینی بیشتر به صورت **حال اخباری** نمود یافته است. مانند: بررسی واژگان زبان فارسی نشان می دهد به دسته ای از واژه ها که از لحاظ معنایی بر حالت یا چگونگی اشاره می کنند و از لحاظ ساختواری یا تکواژهای تصریفی برتر و برترین صورت های صرفی پدید می آورند صفت گفته می شود. (ص ۱۸۴)

وجه التزامی در این کتاب بیشتر با **فعل «ممکن است»** می آید که بیانگر **احتمال وقوع فعل** است مانند: یا به این سبب که از لحاظ معنایی صفت به چگونگی یا حالت اشاره می کند، ممکن است به همراه اسم های متفاوت به کار رود. (ص ۱۸۵) گاهی **فعل حال التزامی** بدون نشانه «ب» در وجه التزامی دیده می شود. مانند: گروه صفتی ممکن است به صورت تنها یک صفت ظاهر شود. (ص ۱۸۳)

وجه امری بیشتر جنبه توصیه دارد. مانند: به صورت های نادرست توجه کنید. (ص ۱۸۵)

در ادامه نمونه هایی از **کاربرد وجوه** در جمله های کتاب دستور زبان فارسی مشکوه الدینی بیان می شود.

وجه اخباری :

به رشته ای از واژه ها که به صورت گروه یا هسته صفت به کار می رود گروه گفته می شود. (ص ۱۸۳)

گروه صفتی با روابط دستوری متفاوت در گروه اسمی، گروه فعلی و گروه صفتی به کار می رود. (ص ۱۸۶)

دسته ی دیگر واژه های صفت به حالت های درجه ای اشاره می کند و بنابراین درجات متفاوت را نیز شامل می شود. (ص ۱۸۶)

وابسته تشبیهی نوعی وابسته ی صفتی است که بیانگر شباهت اسم در جایگاه هسته به اسم در جایگاه وابسته است. (ص ۱۵۹)

متمم صفت معمولاً به دنبال صفت به کار می رود. (ص ۱۶۰)

در نزدیک ترین جایگاه پس از اسم وابسته صفتی (گروه صفتی) ظاهر می شود. (ص ۱۵۷)

صفت با اسم جمع، بدون نشانه جمع ظاهر می شود. (ص ۱۵۸)

اسم در جایگاه وابسته صفتی گسترش نحوی نمی پذیرد و در واقع بارابطه دستوری صفت ظاهر می شود. (ص ۱۵۸)

وجه التزامی :

ممکن است در گروه صفتی پیش از صفت، حرف کمی یا حرف درجه و به دنبال آن گروه

اسمی، گروه حرف اضافه ای یا گروه صفتی با رابطه ی متمم به کار رود. (ص ۱۸۱)

بنابراین گروه صفتی ممکن است به صورت تنها یک صفت نیز ظاهر شود. (ص ۱۸۳)

ممکن است گروه صفتی با رابطه ی دستوری وابسته ی صفتی در گروه اسمی به کار رود. (ص ۱۸۶)

بر این اساس از لحاظ نحوی می تواند گسترش یابد. (ص ۱۵۸)

باین حال هر یک از آن ها ممکن است به کار نرود و در نتیجه وابسته بعدی نزدیک تر به اسم قرار گیرد. (ص ۱۵۷)

ممکن است گروه صفتی بارابطه دستوری متمم به دنبال صفت در گروه صفتی بزرگتر به کار رود. (ص ۱۸۷)

گروه صفتی ممکن است با روابط دستوری متفاوت در جمله به کار رود. (ص ۱۸۷)

تجزیه روساختی چندگانه گروه صفتی را به صورت زیر می توان نشان داد. (ص ۱۶۱)

وجه امری :

به نمونه های (۷) توجه کنید: جوانان سرمایه های کشورند. (جوان، اسم) (ص ۱۸۵)

به صورت های نادرست ص ۱۱ توجه کنید: زنده تر، مونث ترین، خاموشی تر (ص ۱۸۵)

کاربرد وجه در ساخت زبان فارسی غلامعلی زاده:

وجه اخباری در کتاب ساخت زبان فارسی غلامعلی زاده بیشتر در قالب **فعل حال**

اخباری بی نشانه آمده است. مانند: غیر دستوری بودن جمله ها دال بر این است که حضور

گروه های صفتی فوق در این جمله ها الزامی است یعنی آنها متمم مفعول هستند. (ص ۱۰۹)

وجه التزامی با فعل وجهی توانستن به چشم می خورد که **احتمال و امکان وقوع**

فعل را نشان می دهد. مانند: هر عنصر واژگانی ای که توزیع آن به سان واژه های مشخص

شده با حروف مورب در بالا باشد صفت است یعنی آن عنصر واژگانی که بتواند جایگزین

این واژه ها شود صفت است. یا گروه اسمی می تواند به منزله متمم مفعول عمل نماید. (ص

۴۷) همان طور که می بینید **فعل توانستن** در جلو فعل واژگانی آمده است و **امکان وقوع**

فعل را می رساند.

در **وجه التزامی** جمله ها، می بینیم که **وقوع فعل غیر حتمی** است و قاطعیتی در آن

دیده نمی شود. البته در **وجه التزامی** جملات کتاب ساخت زبان فارسی **باید و اجبار و**

شرطی گویی دیده نمی شود و هر چه هست **توانایی به انجام رساندن فعل** است.

نمونه هایی از **وجه اخباری، التزامی و امری** در کتاب ساخت زبان فارسی غلامعلی

زاده:

وجه اخباری:

یکی دیگر از مقوله های گروهی، گروه صفتی است که پیش از این نیز معرفی شده است.

نخست ساخت این گروه را مورد بررسی قرار می دهیم و پس از آن به توصیف نقش های آن

می پردازیم. (ص ۱۰۷)

گروه صفتی در زبان فارسی ساختی نسبتاً ساده دارد که از یک صفت و وابسته پیشین یا پسین آن تشکیل می یابد همان گونه که عنوان این گروه منعکس می کند ، هسته گروه صفتی ، یک صفت است. (ص ۱۰۷)

گروه صفتی در جمله سه نوع نقش ایفا می کند. (ص ۱۰۸)
این نوع نقش را بدین لحاظ که مفهوم آن مفهوم نهاد را کامل می کند متمم نهاد گویند .
اصطلاح مسند یا متمم نهاد در واقع بر این نوع نقش نحوی دلالت دارد. (ص ۱۰۹)
همه صفت ها قابل درجه بندی نیستند. (ص ۴۷)

غیر دستوری بودن جمله ها دال بر این است که حضور گروه های صفتی فوق در این جمله ها الزامی است. (ص ۱۰۹)

ارتباط متمم مفعول با گروه اسمی مفعول به سان ارتباط گروه صفتی با اسم هسته نیست. (ص ۱۰۹)

وجه التزامی :

متمم مفعول را نمی توان جزو عناصر گسترش دهنده ی گروه اسمی مفعول به شمار آورد (ص ۱۰۹)

آن عنصر واژگانی که بتواند جایگزین این واژه ها شود صفت است. (ص ۴۷)
باید توجه نمود که تنها صفت های قابل قیاس و قابل درجه بندی را می توان به صورت های تفصیلی عالی به کار برد. (ص ۴۷)

صفت مطلق همان صورت پایه صفت است که با افزودن پسوند تر و ترین به پایان آن می توان به ترتیب صفت های تفصیلی و عالی تولید کرد. (ص ۴۷)

وجه امری :

وابسته پسین گروه اسمی پیش از این توضیح داده شده است برای ملاحظه ی مثال های مربوط به این مورد به آن بخش رجوع کنید. (ص ۱۰۸)

گروه صفتی یکی از چهار گروهی است که می تواند در جایگاه مسند یک جمله اسنادی قرار گیرد. به مثال های زیر توجه کنید. (ص ۱۰۸)

افزون بر گروه اسمی، گروه صفتی نیز می تواند به عنوان متمم مفعول عمل نماید. (ص ۱۰۹)

در ادامه جدول تحلیل داده ها را می آوریم:

جدول تحلیل داده ها از منظر فرانشس بینا فردی با محوریت **وجه فعل** در مبحث صفت در کتاب دستور زبان فارسی خیامپور

وجه اخباری	وجه التزامی	وجه امری
۱۸۳	۷۳	—
۰.۷۱	۰.۲۹	—

در دستور خیامپور در مبحث صفت ۲۵۶ کلمه مورد بررسی قرار گرفت که از این میزان **وجه امری** هیچ جایی در جملات این فصل نداشته است. **وجه اخباری** با درصد بالاتری نسبت به **وجه التزامی** قرار می گیرد. اما با مقایسه چهار کتاب متوجه می شویم **وجه التزامی** در این کتاب بیش از سه کتاب دیگر نمایان است و جنبه بایدی و تجویزی و غیر توصیفی بودن بسیار پر رنگ به نظر می رسد.

جدول تحلیل داده ها از منظر فرانشس بینا فردی با محوریت **وجه فعل** در مبحث صفت در کتاب دستور زبان فارسی ۲ انوری و گیوی

وجه اخباری	وجه التزامی	وجه امری
۳۳۱	۳۲	۳
۹۰/۴۰	۰/۰۹	۰/۰۰۶

در این کتاب در مبحث صفت ۳۶۶ جمله از نظر **وجه فعل** مورد بررسی قرار گرفته است. کارکرد **وجه اخباری** در دستور انوری بیش از **وجه التزامی** و **وجه امری** است. گفتنی است که از **وجه التزامی** با کاربرد **شرطی** بیشتر استفاده کرده است مانند: اگر صفت بیانی به جای اسم نشیند مانند اسم جمع بسته می شود. (ص ۱۶۹) البته **وجه التزامی** با کارکرد (بایدی) نیز دیده می شود. مانند: صفت مفعولی اصولاً باید از افعال متعدی ساخته شود. (ص ۱۳۹) نویسنده از **وجه امری** نیز برای توصیه و آگاهاندن استفاده نموده است مانند: به جمله های زیر توجه کنید. (ص ۱۳۲) **فعل وجهی توانستن** که به معنی **امکان وقوع فعل** و نیز **توانایی به انجام رساندن فعل** است (مشکوه الدینی، ۱۳۸۹: ۷۴) به همین شکل در جمله ها دیده می شود. مثال: در میان صفت و موصوف می توانیم یای نکره بیاوریم یعنی به موصوف یایی اضافه کنیم. (ص ۱۷۱)

گفتنی است که گاهی **فعل به صورت حال التزامی** می آید اما منظور **وجه اخباری** است. مانند: عدد کسری آن است که یک یا چند جزء از یک یا چند واحد را برساند. (ص ۱۶۴)

جدول تحلیل داده ها از منظر فرانش بینا فردی با محوریت **وجه فعل** در مبحث صفت در کتاب دستور زبان فارسی مهدی مشکوه الدینی

وجه اخباری	وجه التزامی	وجه امری
۹۵	۱۷	۴
۰/۸۲	۰/۱۴	۰/۰۴

در دستور مشکوه الدینی در مبحث صفت ۱۱۶ جمله مورد بررسی قرار گرفت. **وجه اخباری** با داران بودن سهم ۰/۸۲. مهمترین نقش را در این فصل بر عهده می گیرد. سپس

وجه التزامی در این مبحث ۱۴٪. جایگاه را به خود اختصاص می دهد. کارکرد **وجه امری** نیز در جملاتی چون «توجه کنید» نمود می یابد. این بسامد آماری نشان از آن دارد که در دستور مشکوه الدینی اجبار و تاکید با درصد بسیار پایین به چشم می خورد. نویسنده تلاش می کند تا ساختمان صفت را توصیف کند و اصراری برای تجویز و تحمیل ندارد. در واقع هدف ایشان بیان مطالبی جهت آگاهی در ساختار نظام مند و بر پایه نظریه گشتاری است و امر ونهی در آن راه نمی یابد.

جدول تحلیل داده ها از منظر فرانشی بینا فردی با محوریت **وجه فعل** در مبحث صفت در کتاب ساخت زبان فارسی خسرو غلامعلی زاده

وجه اخباری	وجه التزامی	وجه امری
۵۵	۵	۳
۰/۸۷	۰/۸	۰/۵

در ساخت زبان فارسی غلامعلی زاده در مبحث صفت و ساخت و نقش گروه صفتی ۶۳ جمله مورد بررسی قرار گرفته و مولف از **وجوه گوناگون فعل** و نقش های متمایز آن استفاده کرده است. جمله های ایشان نگرشی اطلاع دهنده و یک سویه دارد و صدای دستوری در آن **خبری** و خنثی است. این رویکرد را خصوصا در آمار ۰/۸۷، **وجه اخباری**، ۰/۵، **وجه امری** و ۰/۸، **وجه التزامی** می توان مشاهده نمود. ساخت زبان فارسی حالت توصیفی دارد و مولف نگرشی عاری از هشدار را در پیش گرفته است. اکثر جملات **خبری** است و از **قطعیت انجام فعل خبر** می دهد. **وجه التزامی** در این جملات به صورت **احتمال با فعل وجهی توانستن** آمده مانند: گروه اسمی می تواند به منزله متمم مفعول ایفای نقش کند. (ص ۱۰۹). گفتنی است این **فعل ها (توانستن)** **وجه اخباری** دارد و در جمله پایه به کار می رود و پیرو آن در **وجه التزامی** می آید. **وجه امری** در جملات این کتاب با

کارکرد اطلاع رسانی آمده است مانند: برای ملاحظه مثال هایی در این باره به آن بخش رجوع کنید. (ص ۱۰۸)

نتیجه گیری:

وجه نشان دهنده قاطعیت گوینده در مورد اجزای گزاره است. کشف نگرش نویسنده با بررسی نحو امکان پذیر می شود. فعل در این فرایند مهم ترین وظیفه را عهده دار است. **فعل های** که نویسندگان به کار می برند تا حد زیادی بیانگر تفکرات و سلاقی و فضای حاکم بر متن است. در دستور خیامپور ۷۱٪ وجه اخباری و ۲۹٪ وجه التزامی دیده می شود و وجه امری جایگاهی ندارد. در دستور انوری ۹۰٪ جملات در مبحث صفت به شکل وجه اخباری دیده می شود ۹٪ جملات وجه التزامی را تشکیل می دهد و وجه امری کمتر از ۱٪ را به خود اختصاص داده است. در دستور مشکوه الدینی ۸۲٪ جملات در وجه اخباری بیان شده است و وجه التزامی ۱۴٪ سهم دارد و وجه امری ۴٪ است. در ساخت زبان فارسی غلامعلی زاده ۸۷٪ وجه اخباری، ۸٪ وجه التزامی و ۵٪ وجه امری به چشم می آید. بررسی در چهار کتاب حاضر و وجود درصد بالای وجه اخباری نشان از آن دارد که مطالب جنبه **خبری** دارد، در واقع مولفین این کتب بر قواعد دستوری به خوبی آگاهی دارند و دانش خود را در قالب **وجه اخباری** انتقال می دهند. این بسامد بالا در هر چهار کتاب دیده می شود، اما در کنار این بحث، توجه به میزان کاربرد **وجه التزامی** در هر کتاب قابل تامل است. همانطور که گفتیم **وجه اخباری** در هر چهار کتاب بالاترین درصد را به خود اختصاص داده اما **وجه التزامی** به گونه ای متفاوت نمود یافته است. با مقایسه **وجه التزامی** در این کتب دستوری، متوجه می شویم که در کتاب دستور خیامپور بالاترین بسامد آماری در **وجه التزامی** دیده می شود، خیامپور اجبار و ضرورت در انجام کار را با **فعل وجهی بایدی** بیان می کند. این فرایند نشان از آن دارد که در چهار کتاب حاضر، دستور خیامپور بیشتر جنبه تجویزی دارد و نویسنده سعی کرده قواعد زبانی را در قالب جملات

التزامی از نوع «**بایدی**» به مخاطب القا کند. این صورت کاربردی از **وجه التزامی** بیانگر آن است که در دستور خیامپور جنبه انعطاف ناپذیری مطالب بیشتر به چشم می خورد. یعنی اینکه از نظر مولف، فقط یک صورت درست وجود دارد و هرچه جز آن باشد غلط است. (باطنی، ۱۳۵۷: ۴۲) علاوه بر آن حالت تجویزی نیز در آن غالب است. در این نوع دستور نویسنده می کوشد هدف خود را در راهنمایی اهل زبان در به کار بردن درست زبانشان قرار دهد. (همان، ۱۳۵۷: ۴۰)

دستور زبان انوری و گیوی نیز به کاربرد **وجه التزامی** تا حدودی علاقمند بوده است و کوشیده تا از این **وجه** با کارکرد **شرطی** استفاده نماید. مشکوه الدینی از این نگاه در رتبه سوم قرار می گیرد، همانطور که ملاحظه نمودید در کتاب ساخت زبان فارسی غلامعلی زاده، **وجه التزامی** از لحاظ فراوانی در جایگاه چهارم قرار دارد و از کم ترین بسامد بهره مند شده است که نشان از آن دارد نویسنده تنها به هدف تحلیل ساخت زبان فارسی، کتاب را نگاشته است. و یافته های زبان شناسی در راستای توصیف ساخت زبان فارسی به گونه ای به کار برده شد تا خواننده بی اطلاع از بحث های پیچیده نظری بتواند از آن بهره برد. (غلامعلی زاده، ۱۳۷۴: پیشگفتار)

کاربرد **وجه امری** به صورت ضرورت انجام یک عمل به شکل **امری** است که در این کتب نقش پر رنگی ایفا نمی کند چرا که تعامل دوسویه وجود ندارد و کاربرد وجه امری در این کتاب ها بیشتر جهت جلب توجه و توصیه برای انتقال مفاهیم و آگاهی رسانی است.

منابع

آفاگل زاده، فردوس، (۱۳۹۱)، «بررسی وجه فعل در زبان فارسی بر پایه نظریه فضاهای ذهنی»، ویژه نامه زبان و گویشی، شماره بیستم، صص ۱۵۴-۱۳۵.

انوری، حسن و احمدی گیوی، حسن، (۱۳۷۷)، دستور زبان فارسی ۲، چاپ پانزدهم، تهران، فاطمی.

باطنی، محمد رضا، (۱۳۴۸)، توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی، چاپ اول، تهران، انتشارات امیر کبیر.

.....، (۱۳۸۲)، نگاهی تازه به دستور زبان فارسی، چاپ دهم، تهران، انتشارات آگاه.

- خیامپور، عبدالرسول، (۱۳۸۹)، دستور زبان فارسی، چاپ پانزدهم، تبریز، انتشارات ستوده.
- شفاهی، احمد، (۱۳۶۳)، مبانی علمی دستور زبان فارسی، چاپ اول، تهران، موسسه انتشارات نوین.
- فتوحی، محمود، (۱۳۹۰)، سبک شناسی، نظریه ها و رویکردها و روش ها، چاپ دوم، تهران، سخن.
- فرشید ورد، خسرو، (۱۳۴۹)، «وجه فعل در فارسی معاصر»، مجله ادبیات دانشگاه تهران، دوره ۱۸، شماره اول، صص ۸۹-۸۵.
-، (۱۳۸۴)، دستور مفصل امروز، چاپ دوم، تهران، سخن.
- مشکوه الدینی، مهدی، (۱۳۹۱)، دستور زبان فارسی بر پایه نظریه گشتاری، چاپ دوازدهم، مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد.
- غلامعلی زاده، خسرو، (۱۳۸۴)، ساخت زبان فارسی، چاپ اول، تهران، احیاء کتاب.
- مهاجر، مهران و محمد نبوی، (۱۳۷۶) به سوی زبان شناسی شعر: رهیافتی نقشگرا، چاپ اول، تهران، مرکز.
- لاینز، جان، (۱۳۹۱)، درآمدی بر معنی شناسی زبان، چاپ اول، کورش صفوی (مترجم)، تهران، نشر علمی.
- ناتل خانلری، پرویز، (۱۳۷۷)، دستور زبان فارسی، چاپ شانزدهم، تهران، توس.
- وحیدیان کامیار، تقی و عمرانی، غلامرضا، (۱۳۷۹)، دستور زبان فارسی، چاپ اول، تهران، سمت.
- وفایی، عباسعلی، (۱۳۹۲)، دستور توصیفی (بر اساس واحدهای زبان فارسی)، چاپ اول، تهران، سخن.